

پرونده‌ای در گرامی داشت «توران میرهادی»

مادر ادبیات کودک و نوجوان ایران

توران خانم!

الیه توتانا- بعضی‌ها زندگی کردن را خیلی خوب بلدند؛ آن‌هایی که می‌دانند در این دنیا کاری ندارند جز به‌تمامی زیستن؛ آن‌هایی که تلاش‌هایشان برای جست‌وجوی معنا و برای داشتن حالی خوش، چنان وسیع و عمیق است که به زندگی دیگران هم سرایت می‌کند؛ آن‌هایی که بودنشان به دنیا زیبایی و رنگ می‌بخشد. توران خانم میرهادی یکی از این آدم‌ها بود؛ گوهر درانه‌ای که سال گذشته از میان ما رفت اما به برکت آثار و خدمات ارزشمندش، هنوز و تا همیشه برایمان زنده است. توران میرهادی را مادر ادبیات کودک و نوجوان ایران می‌دانند، او همچنین مبدع و شروع‌کننده بسیاری از خدمات و اقدامات فرهنگی نوین در کشورمان بود؛ مثل «مدارس پیشرفته با سیستم آموزشی اصولی»، «کانون پرورش فکری» و «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان». چند وقت قبل، به‌مناسبت اولین سالگرد درگذشت توران میرهادی، مستند «توران خانم» کار مشترک «رخشان بنی‌اعتماد» و «مجتبی میرتیماسب»، به نمایش در آمد؛ این فیلم به چهارسال پایانی عمر توران میرهادی، ویژگی‌های شخصیتی او به عنوان یک معلم نهادگذار و دارای نگرش نو به آموزش و پرورش و مراحل تکمیل فرهنگنامه کودکان و نوجوانان پرداخته‌است. در پرونده امروز؛ به این بهانه، مرور کوتاهی داریم بر زندگی، فعالیت‌ها و اندیشه‌های این همیشه معلم.



تصویرساز: سعید مرادی

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزانه روزنامه خراسان

یک شنبه • ۱۷ دی ۱۳۹۶

۱۹ ربیع الثانی ۱۴۳۹ • ۷ ژانویه ۲۰۱۸

۹۴۹

درباره حسین عطایی که با حضور در برنامه «حالا خورشید» نگاه‌ها را به خود جلب کرد

نابغه ۱۰ ساله‌ای که ادعا می‌کند از شرکت‌های بزرگ خودروسازی جهان، پیشنهاد همکاری دارد!



برنامه «حالا خورشید» صبح‌شنبه را با یک غافلگیری برای مخاطبانش آغاز کرد. نوجوان ۱۰ ساله نابغه‌ای همان این برنامه بود. «حسین عطایی» که در کرج زندگی می‌کند، به ادعای خودش ۶ اختراع ثبت شده و در کل ۱۶ اختراع در کارنامه دارد و نوآوری‌های وی باعث شگفتی شرکت‌های پیشرو دنیا در فناوری شده است تا آن‌جا که گفته می‌شود برنده‌های معروف خودروسازی مانند «تسلا»ی آمریکا و «ولوو»ی سوئد، خواهان جذب او هستند. این در حالی است که خودروسازان داخلی احتمالاً اصلاً او را نمی‌شناسند چرا که طبق ادعای رضا رشیدپور، هیچ‌گونه پیشنهادی برای او نفرستاده‌اند! حسین، طی یک گفت‌وگوی جالب و دیدنی، در معرفی‌خودش و فعالیت‌هایش در برنامه «حالا خورشید» گفت: «اولین اختراع من، به دو سال قبل، زمانی که هشت‌ساله بودم برمی‌گردد. هر چند اختراعاتی نظیر «پهپاد عمودپرواز سه‌وضعیتی»، «قایق تندروی جنکی» و «کنترل چندمنظوره تلویزیون‌های هوشمند» دارم و هم اکنون، مجری کارشناس بخش خودروی برنامه «نوآوران» در شبکه افق هستم، اما به شکل کلی، خودم را یک «کانسپت‌دیزاینر» یعنی یک طراح مفهومی در صنعت خودرو می‌دانم.» اگر برایتان این سوال پیش آمده که خانواده حسین، چگونه آدم‌هایی هستند و کودکی مثل او، روزهایش را چطور می‌گذراند، حسین در پاسخ می‌گوید: «مادر من خانه‌دار است و پدرم از یک‌سال و نیم پیش، شغلش را کنار گذاشته و مدیریت برنامه‌های من را به عهده گرفته است. من سه سال است که به‌شکل غیرحضور ی و در خانه درس می‌خوانم و فقط ایام امتحانات، برای پشت سر گذاشتن امتحان‌ها به مدرسه می‌روم. در عوض، جلساتی با دانشجویان طراحی صنعتی در مجتمع تخصصی تهران دارم و از طرفی، از سوی سازمان برنامه و بودجه استان البرز و کل کشور، موفق به دریافت سمت مشاور شدم.» همان‌در طول سال‌های اخیر، از طریق صدا و سیما و خبرگزاری‌های معتبر، هر از گاهی با کودکان و نوجوانانی شبیه حسین، نابغه‌هایی کوچک در زمینه‌های مختلف علمی و هنری آشنا شده‌ایم. بچه‌هایی که به‌واسطه نبوغ ذاتی و حمایت خانوادگی، دیدن و شنیدن سرگذشت و فعالیت و توانمندی‌هایشان، متعجب و شگفت‌زده‌مان می‌کنند و در عین حال، وجودشان درست مثل یک معدن طلا، یک سرمایه ملی به حساب می‌آید؛ سرمایه‌ای که نیاز به توجه و پرورش دارد و ایجاد مدرسه‌های متناسب برای این استعدادهای درخشان، فراهم کردن امکانات موردنیازشان مثل استادان باسواد، کتاب‌های مناسب، فرصت‌های مطالعاتی و سفرهای تحقیقاتی و ... می‌تواند شکل‌هایی از این توجه و پرورش باشد. اگرچه در کنار همه این‌ها، والدین حسین و کودکانی شبیه به او نباید فراموش کنند که حتی نابغه‌ها هم نیاز به بچگی کردن و بازی دارند.

می‌کردند. دانش‌آموزان هر مقطع تحصیلی، سه‌نماینده برای هر ماه و دو نماینده برای یک سال انتخاب می‌کردند. نماینده‌هایی که برای یک سال انتخاب می‌شدند وظیفه قانون‌گذاری داشتند و دیگر نماینده‌ها وظیفه اداره مدرسه را. یکی از قوانینی که بچه‌ها وضع کرده‌بودند این بود که هیچ معلمی حق نداشت دانش‌آموزی را از کلاس بیرون کند. نمره، ملاک قبولی نبود و اگر دانش‌آموزی در یکی از درس‌ها ضعیف بود وظیفه نماینده‌ها و دیگر دانش‌آموزان بود که ضعف او را برطرف کنند. نماینده‌ها مشخص می‌کردند چه تکالیفی به بچه‌ها داده‌شود تا باعث پیشرفت آن‌ها شود. برنامه‌های کارش علمی با آن‌ها بود و پس از این گردش همه دانش‌آموزان با کمک هم یک کتاب درباره این سفر می‌نوشتند.

■ **بارقاب و قضاوت و مقایسه، بچه‌ها را به بند نکشیم**
توران خانم خلاف خیلی از متولیان آموزش به ابزارهایی مثل مقایسه و تنبیه معتقد نبود. او خیلی خوب می‌دانست استعدادها و توانایی‌های افراد با هم متفاوت است. او می‌فهمید شاگرد رنگ کلاس، چماقی برای تحقیر بچه‌های درس‌خوان نیست بلکه دوست و رفیق آن‌ها است و می‌تواند به پیشرفتشان کمک کند. خانم میرهادی آسیب‌های آموزش‌وپرورش رسمی را خیلی خوب شناخته و درباره آن‌ها گفته‌است: «مقایسه دانش‌آموزان با یکدیگر، به وجود آوردن زمینه رقابت مداوم، ارزشیابی دایم از طریق نمره و تعیین جایزه برای هر کار، نسل جوان ما را به بند کشیده‌است. در آموزش‌وپرورش ما با یک مجموعه آزمون‌های سست و بی‌پایه، گروهی از دانش‌آموزان را استعدادهای درخشان می‌نامند، در محیط‌های جداگانه امکانات تحصیلی خیلی بهتری برای آن‌ها فراهم می‌کنند و گروهی را با عنوان المپیادهای علمی آموزش اختصاصی می‌دهند؛ این دانش‌آموزان استعدادهای درخشان و المپیادی نهایتاً جذب کشورهای توسعه یافته می‌شوند». توران خانم، بیان‌ها سال گذشته در ۸۹ سالگی از دنیا رفت؛ او در همه سال‌های زندگی حرفه‌ای خود برای دغدغه‌های تربیتی و آموزشی‌اش از جان و دل مایه گذاشت.

اندیشه‌ها

■ **کار ما ایجاد فرصت برای کودکان است**

از کودکی توران خانم گفتیم و پرخورداری‌اش از موهبت داشتن پدر و مادری دانا و آگاه؛ از روزهای جوانی‌اش گفتیم و بخت‌یاری‌اش در آشنایی با دانشمندان زمانه؛ از میان‌سال‌ی‌اش گفتیم و سهم پررنگ او از دوستانی باسواد و همراه. اما منصفانه نیست اگر فعالیت‌های ارزشمند و خدمات بی‌دریغ توران خانم را تنها به همین شانس‌ها و موهبت‌ها مرتبط بدانیم. اندیشه‌های متعالی و همت بلند توران خانم بود که نام او را چنین بلند و ماندگار کرد. خواندن اندیشه‌ها، باورها و آرزوهای توران خانم برای هر خواننده‌ای جالب و الهام‌بخش خواهدبود.

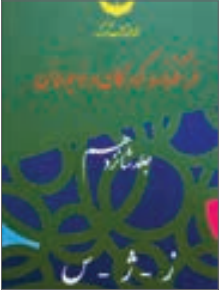
■ **مهد و مدرسه فرهاد، ساختار شکن و پیشرو**

توران میرهادی آرزو داشت کودکان با عشق بزرگ شوند، توانایی‌هایشان شکوفا شود و بیش از هر چیز احساس امنیت کنند. او عمیقاً می‌خواست رقابت در محیط‌های تربیتی حذف شود؛ چون رقابت را یک فریب می‌دانست که معنا و مفهوم هر کاری را تخریب می‌کند. توران میرهادی مخالف هر گونه داوری درباره کودکان در حال رشد بود و تلاش می‌کرد تا جامعه‌باور کند در سایه‌تعامل مستمر، امکان رشد کودکان فراهم می‌شود؛ زیرا به اعتقاد او، کار ما ایجاد فرصت برای کودکان است؛ یادگرفتن چند عبارت یاد ردن چند دکمه آموزش نیست بلکه نوعی فشار بیپهوده و گاه بسیار گمراه‌کننده است. بسیاری از باورهای توران میرهادی در شیوه تمایز اداره مدارس فرهاد، نمود پیدا می‌کرد. توران میرهادی در این باره گفته‌است: «همه‌جا شکل‌سازمانی مدارس به صورت هر می‌است که مدیر مدرسه در رأس هرم است و پس از آن ناظم، معلم‌ها، اولیا و مربیان و در آخر دانش‌آموزان قرار دارند. در مدرسه فرهاد ما این هرم را وارونه کردیم؛ یعنی مدیر و رئیس مدرسه در پایین هرم قرار داشتند و این بچه‌ها بودند که درباره اداره مدرسه تصمیم‌گیری

کتاب‌شناسی

توران میرهادی، در سال‌های نویسندگی‌اش بیشتر در تالیف کتاب‌های درسی دانش‌آموزان و کتاب‌های آموزشی برای معلمان و مربیان دست داشته‌است؛ کتاب‌هایی مثل «تعلیمات اجتماعی»، «تاریخ» و «جغرافی» دبستان و همچنین «کتاب کار مربی» و «جست‌وجو در راه‌ها و روش‌های تربیت». آن‌چه در ادامه می‌آید، معرفی مختصر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان و آثاری است که به شناخت این شخصیت بزرگ کمک می‌کند.

■ **فرهنگنامه کودکان و نوجوانان**



این فرهنگنامه، نخستین دایرةالمعارف عمومی است که با دیدگاهی علمی و با تکیه بر فرهنگ ایران تهیه شده‌است. مقاله‌های دقیق و مستند آن مناسب برای گروه سنی ۱۰ تا ۱۶ سال تدوین شده‌است؛ در تالیف

این مقاله‌ها بیش از ۳۰۰ استاد و متخصص رشته‌های مختلف همکاری کرده‌اند. فرهنگنامه کودکان و نوجوانان که کار نگارش به کوشش اعضای شورای کتاب کودک و نوجوان و با همت توران میرهادی از سال ۱۳۵۸ آغاز شده، حاوی پنج‌هزار

مدخل در ۲۴ جلد است که تاکنون ۱۶ جلد آن منتشر شده‌است.

■ **گفت‌وگو با زمان**

«گفت‌وگو با زمان» مجموعه مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و پیام‌های توران میرهادی در دوره‌ای بیش از ۵۰ سال است که «مسعود میرعلایی» آن‌ها را

زندگی



■ **تولد در دامن مادری انسان‌ساز**

توران خانم، ۹۰سال پیش در یکی از نادرترین خانه‌ها و خانواده‌های آن روزگار به‌دنیا آمد؛ پدرش، مهندس بود و مادر آلمانی‌تبارش، «گرتا دیترش»، نقاش و مجسمه‌ساز. خانواده‌ای که رفتن به‌شمیران خوش‌آبوهوا در فصل‌های گرم‌سال، برایشان تبدیل به یک رسم شده بود و توران، چهارمین فرزند خانواده در بهار ۱۳۰۶ زیر چادری در شمیران، چشم به روی جهان باز کرد. گرتا هنر دوست، بسیار اهل ادبیات و موسیقی بود؛ برای فرزندانش شعر و قصه و ترانه‌های آلمانی می‌خواند و به‌دلیل علاقه‌اش به فرهنگ ایران، آن‌ها را با ادبیات ایران هم آشنا می‌کرد؛ نمود این علاقه را در اسم‌هایی که برای فرزندانش انتخاب کرد هم می‌شود دید؛ رستم، فریدون، فرهاد، توران و ایران‌دخت. حضور چنین مادر فرهیخته‌ای بود که توران نوجوان را به خواندن زندگی‌نامه ژاندارک و انس با شاهنامه ترغیب می‌کرد. فریدون، فرهاد، توران و ایران‌دخت. حضور چنین مادر فرهیخته‌ای بود که توران نوجوان را به خواندن زندگی‌نامه ژاندارک و انس با شاهنامه ترغیب می‌کرد. علاقه توران به پرورش و تربیت هم بی‌شک از او تأثیر پذیرفته‌بود؛ توران یک‌بار از مادرش پرسید چرا مجسمه‌سازی را رها کرده و در پاسخ شنید: «مجسمه‌سازی را رها کردم و شما را ساختم، این خیلی سخت‌تر بود». توران، غیر از زبان آلمانی که از

فعالیت‌ها



■ **غم بزرگی که به حرکتی ماندگار تبدیل شد**

غم بزرگی که می‌تواند هر کسی را، دست‌کم تا مدت‌ها، مایوس و مغموم کند توران خانم، ا تحت تأثیر آموزه‌های مادر و حمایت‌های پدر، نه به کار بزرگ که به کارهایی بزرگ وامی‌دارد. روزی پدر توران را صدا می‌زند و می‌گوید: «توران تو حیثی»، توران می‌پرسد: «منظورتان چیست؟». پدر می‌گوید: «تورفتی و تحصیل کردی و دنیا را دیدی و حالا برگشته‌ای و به عنوان یک معلم ساده کار می‌کنی. نمی‌توانی کار دیگری به عهده بگیری؟». توران: «می‌توانم ولی چگونه؟». پدر: «تو هنوز به سنی که امتیاز کودکان‌گیری نرسیده‌ای. مادر امتیاز را برایت می‌گیرد. من هم برای یک سال خانه مسکونی قدیمی خیابان ژاله را بدون اجاره در اختیار می‌گذارم. می‌ز و صندلی را در کارخانه می‌سازم. الاکلنگ و سرسره را هم می‌دهم بسازند. بقیه کارها با خودت». توران فکر می‌کند دیگر وقت آن رسیده که برای حفظ یاد برادر از دست‌رفته و به‌کار بستن تجربیات و دانش‌های آموخته‌شده در فرنگ، کاری کند. او که خودش به‌تازگی مادر شده کودکستان «فرهاد» را، به‌نام برادرش، تأسیس می‌کند. این آغازی برای فعالیت‌های توران در عرصه آموزش و پرورش است؛ کودکستان فرهاد با چنان استقبالی مواجه می‌شود که او دوسال بعد دبستان فرهاد را هم پایه‌گذاری می‌کند و در دهه ۵۰ به فکر ایجاد



گردآوری کرده‌است. این کتاب در هشت بخش و با مقدمه ای از «محمدهادی محمدی»، پژوهشگر و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان، تنظیم شده‌است. عنوان بخش‌های این کتاب عبارت است از: «من کیستم؟»، «کودک کیست و مفهوم کودکی چیست؟»، «درباره شورای کتاب کودک»، «درباره ادبیات کودکان»، «درباره کتاب و کتابداری»، «درباره فرهنگنامه»، «درباره آموزش و پرورش» و «درباره هنر و اجتماع». در صفحات پایانی این اثر ارزشمند، توران میرهادی آرزوها و وصیت خودش را بیان کرده‌است.

■ **مادر و خاطرات پنجاه سال زندگی در ایران**

این کتاب، مجموعه خاطرات توران میرهادی درباره پنجاه سال زندگی مادر آلمانی‌تبارش در ایران است که به صورت گفت‌وگو تنظیم شده و کار مشترک «سیمین ضرابی» و «توران میرهادی» است. نویسنده تلاش کرده وجوه مختلف شخصیت و توانایی‌ها و پشتکار مادرش را در مقایله با سختی‌ها و اهتمام او به رشد و تربیت فرزندان و نوه‌هایش، با هدف انتقال تجربیات تربیتی نسل گذشته به نسل نو بازگو کند، در عین حال این خاطرات تصویری از شیوه زندگی مردم طبقات متوسط و تحصیل‌کرده ایران در نیمه اول قرن حاضر است که ارزش تاریخی هم دارد.